

فرهنگ کردی کرمانشاهی

تألیف: علی اشرف درویشیان

۴۳۴ صفحه - ۱۵۰۰۰ ریال

نشر سهند - ۱۳۷۵

در عصر کنونی گرچه انسان با شتاب در وادی مدرنیته پیش می‌رود، اما شواهد بسیار حاکی از آن است که حسرت‌زده چشمی به پشت سرخود دارد. این چشم، در جستجوی دنیایی است که سال‌های سال، به ویژه دوران کودکی خود را در آن گذرانده است. آن تصویرها، واژه‌ها، لحظه‌ها، بازی‌ها و افسانه‌ها چون همزادی جدایی‌ناپذیر با او همراه است و خواهد بود. قدرت‌های حاکم بر جهان سعی در یک کاسه کردن زبان، فرهنگ و عادات و رسوم مردم دارند تا بر آن پایه، سیستم حکومت جهانی خود را برپا کنند و از جهان پرتنوع، دهکده‌ای یکدست بسازند. (شاید یکی از اهداف پدید آمدن زبان اسپرانتو همین باشد) اما باسعی و تلاش پژوهشگران اقلیم‌های گوناگون جهان، هر روز شاهد درخشش پدیده تازه‌ای از فرهنگ پرغنای مردم هستیم. امروز خرده فرهنگ‌ها، حضور و تسلط خود را بیش از پیش بروز می‌دهند تا جایی که باید بگوییم، جهان ما تشنه شنیدن، دیدن و خواندن درباره جلوه‌های گوناگون این خرده فرهنگ‌هاست.

با اولین نگاه به کتاب «فرهنگ کردی کرمانشاهی» این موضوع به چشم می‌خورد که این کتاب شامل واژه‌های کرمانشاهی است و مؤلف می‌خواهد واژه‌ها، اصطلاحات، مثل‌ها و کنایات متداول در میان مردم کرمانشاه را چنانکه شنیده است عرضه کند. انگیزه نوشتن این کتاب

بنا به گفته نویسنده به سه موضوع بومی گردند:

۱- عشق به زبانی که از مادرش آموخته است.

۲- لهجه‌ای که از سوی محافل رسمی مورد بی‌مهری قرار گرفته است.

۳- عشق به سرزمینی اجدادی و مردمش.

نویسنده بنا به شیوه اکثر نویسندگان و گردآورندگان فرهنگ شفاهی مردم، در بخش عملی از مجموعه خود، جمع‌آوری کاملی از واژه‌های مردم کرمانشاه را هدف کار قرار داده است. واژه‌هایی که از قدیم به وسیله محافل اثراتی به آن یا تحقیر نگریسته و آن‌ها را «عوامانه» دانسته‌اند. واژه‌هایی که نه تنها در داستان‌های نویسنده به خوبی به کار رفته است بلکه در آثار بسیاری از نویسندگان و شاعران برجسته کرمانشاه، ماده اولیه‌ای است که در موقع لزوم بر زیبایی نوشته آنها افزوده و آنها را چاشنی اثر خود ساخته‌اند.

نویسنده در مقدمه اثرش نیز خاطر نشان می‌سازد: «در سال‌های اخیر، پژوهشگران با تعهد و علاقه‌ای بی‌نظیر متوجه فرهنگ و زبان عامیانه بخش‌های مختلف میهن عزیزمان شده‌اند. اغلب واژه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، افسانه‌ها، عقاید و رسوم گوشه و کنار سرزمین پهناورمان گردآوری شده و با کوشش خستگی‌ناپذیر علاقه‌مندان و مشتاقان در حال گردآوری است... هدف از جمع‌آوری واژه‌های کرمانشاهی ارائه تصویری نه چندان کامل، اما کلی از لهجه منطقه‌ای از غرب ایران است که سابق بر این کرمانشاهان خوانده می‌شد و مرکز آن کرمانشاه است و چند سالی این نام به باختران تبدیل شد، اما مردم بومی و محلی این منطقه آن را کرمانشان می‌گویند».

مؤلف پس از شرح مختصری از هدف و انگیزه خود توضیحی دربارهٔ موقعیت جغرافیایی، آب و هوا و سابقه شهر کرمانشاه داده است و در پایان به بحثی در خصوص زبان کردی پرداخته است. نویسنده در این قسمت زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی را از متنوع‌ترین دسته زبان‌های هند و اروپایی دانسته است و زبان‌های ایرانی را شامل ۱- زبان‌های ایرانی کهن ۲- زبان ایرانی میانه ۳- زبان‌های ایرانی کنونی می‌داند. زبان‌های ایرانی را نیز برحسب شباهت صوتی و دستوری و لغوی به دو دسته بزرگ تقسیم نموده است. دسته غربی و دسته شرقی. زبان فارسی کنونی، کردی، لری و بلوچی را جزء دسته غربی دانسته‌اند و لهجه کرمانشاهی نیز یکی از لهجه‌های زبان کردی است. همان‌گونه که نویسنده معتقد است: «تفاوت لهجه‌های کردی با تمام تنوع و گوناگونی بسیار کم و سطحی است و در همه این لهجه‌ها، اصوات، اصطلاحات و کلمات بسیار به هم نزدیک و شبیه هستند و برای نشان دادن اختلاف لهجه کرمانشاهی با گوردانی (لهجه مردم قصر شیرین) و اردلانی (لهجه مردم نواحی کلیایی) که در مناطق مجاور کرمانشاه قرار دارند، در بعضی از واژه‌ها، کلمه‌های هم معنی از دو لهجه مذکور را با هم مقایسه کرده است.

در پایان مقدمه کتاب (که متأسفانه بدون شماره صفحه است) نویسنده به این نتیجه رسیده است که واژه‌های کرمانشاهی اغلب دارای ریشه باستانی و کهن‌اند، بطوری که کارد را



۵ علی اشرف درویشیان با بچه‌های روستای گل‌تپه، دیوان‌دره - سال ۱۳۴۹

کارت و در کرمانشاهی نیز کارت و درخت را در هر دو زبان فوق نیز (dar) تلفظ می‌کنند. سپس به پاره‌ای از مشابهت‌های دستوری زبان پهلوی و لهجه کرمانشاهی می‌پردازد. در پایان اطلاق واژه باختران را بر کرمانشاه نادرست دانسته و معتقد است: «در هیچ متنی از متونی که تا به حال در دسترس داریم اصلاً و ابداً از کرمانشاه به عنوان باختران یاد نشده است.»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله جامعه‌شناسی

ضرورت تهیة و تألیف فرهنگ کرمانشاهی

وقتی نام تاریخی یک شهر را مردم، کرمانشان تلفظ می‌کنند ولی اهل قلم رسمی حکومت، آن را کرمانشاه گفته‌اند و بعد باخترانش می‌نامند و دوباره کرمانشاه می‌گویند، آدمی را به این فکر وام دارند که تمامی این واژه‌ها و به تبع آن مثل‌ها، بازی‌ها، اصطلاحات و آداب و رسومی که سینه به سینه به ما رسیده است نمی‌تواند بی‌معنی و بیهوده باشد. مسلماً این واژه‌ها در بردارنده حقیقتی است که حکومتمگران همیشه آن‌ها را به شکلی تلفظ کرده‌اند و مردم به شکلی دیگر، واژه‌های به کار رفته شده با چشمان مردم کرمانشاه نگریسته و با زبان آنان بیان شده است به همین خاطر بسیاری از لغات و اصطلاحات را نمی‌توان در ادبیات رسمی پیدا کرد (مانند واژه کرمانشان) که از دخل و تصرف اهل قلم حکومتی در امان مانده باشد و از همین روست که نویسنده می‌گوید: «یواش یواش به یادداشت برداشتن از واژه‌هایی که از هم ولایتی‌هایم

می شنیدم» پرداختم.

یکی از بزرگان در زمینه جمع‌آوری فرهنگ شفاهی مردم می‌گوید «با دقت به ترانه‌های ملی گوش فرا دار، آنها سرچشمه‌های بی‌پایان زیباترین ملودی‌ها می‌باشند و چشم تو را به صفات مشخصه ملل گوناگون باز می‌کند.»

و به خاطر همین دقت نویسنده در فرهنگ شفاهی مردم است که می‌نویسد: «در این زبان کلمات و واژه‌های از یاد رفته و یا در حال از یاد رفتن و فراموش شدن یافت می‌شود که با کمک آن‌ها، با زنده کردن و به کارگرفتنشان می‌توان معادلی برای اصطلاحات و ترکیبات نسبتاً تازه از فلسفه، علوم انسانی و اجتماعی و روانشناسی پیدا کرد و جایگزین ساخت و از واژه‌های نامأنوس خارجی بی‌نیاز گشت... مثلاً ما در کرمانشاه نام دختران را بفرینه *bafrina* می‌گذاریم که همان برفینه (برف + پسوند ینه) است و کتاب معروف کریستین اندرسن (*snow white*) را که به سفیدبرفی ترجمه کرده‌اند به همین معنی است. و نیز واژه‌هایی از قبیل:

بلاچه *balâca*: صاعقه و جرقه

سیمینه زرینه *simina zarina*: قوس و قزح، رنگین‌کمان

سینه کمان *sina kamân*: ویولن، کمانچه

تماته *tamâta*: گوجه‌فرنگی

الماسه *almâsa*: شبنم‌های یخزده که هنگام سرمای زیاد، ریزریز بر زمین می‌بارند.

□□□

۶۲۸

البته تمامی این گفتار به آن معنی نیست که باید این کلمات را ازلی و ابدی دانست. بده و بستان فرهنگی کاری است که در میان تمامی اقوام و ملل وجود دارد. به قول صادق هدایت: «در عالم هیچ زبانی نیست که بتواند از آمیختگی با زبان دیگر خود را برکنار دارد مگر زبانی مردمی که هرگز با مردم دیگر آمیزش نکنند و این محال است چه بوسیله تجارت و سفر و معاشرت و حتی بوسیله شنیدن افسانه‌های ملل دیگر، لغاتی از آن مردم در این مردم نفوذ می‌کند.»

### نقاط قوت فرهنگ کرمانشاهی:

۱ - ضبط و نقل واژه‌ها و حفظ الفاظ، همان‌گونه که مردم کرمانشان در زندگی روزانه خود به کار می‌برند.

۲ - آوانویسی کلیه واژه‌ها به طوری که واژه‌هایی که بسیاری از آن‌ها برای یک نفر فارسی زبان و حتی یک خارجی زبان، ناشناس است. قابل تلفظ و استفاده است

۳ - تفسیر، معنی و مثال‌هایی که مؤلف برای بعضی از واژه‌ها آورده است، مفهوم واقعی هر کلمه را برای خواننده و استفاده‌کننده از کتاب ممکن می‌سازد.

۴ - با ارائه بسیاری از واژه‌ها و متال‌های آورده شده در متن کتاب، روحیات و خلق و خوی مردم کرمانشاه را مشاهده می‌کنیم که صفت بارز آن، روحیه نکته بین همراه با طنزی گزنده، تفکرات و جهان بینی آن‌ها که نوعی قدرگرایی و صبر در برابر سختی‌ها و مشقات است.

### نقاط ضعف فرهنگ کرمانشاهی:

۱ - فقدان تشریح شیوه جمع‌آوری واژه‌ها و روشی که نویسنده در جریان کار از آن استفاده نموده است. توضیح روشها می‌توانست کمک بزرگی جهت راهنمایی افراد علاقه‌مند به فرهنگ ملی شفاهی کرمانشان و سایر مناطق دیگر باشد.

۲ - ارجاع معانی بازیهای مرسوم در کرمانشاه و نداشتن توضیحات در مقابل واژه‌های مربوطه، ارزش مجموعه فرهنگ را کاهش داده است. زیرا هر خواننده برحسب ضرورت و یا برخورد با کلمه‌ای به فرهنگ مراجعه خواهد نمود که در صورت مراجعه استفاده‌کننده از واژه بازی‌ها، باید به دنبال کتاب یا مرجع دیگری برود (این واژه‌ها بطور مفصل در جلد دوم افسانه‌ها، نمایش‌نامه‌ها و بازیهای سنتی مردم کرمانشاه، تألیف علی اشرف درویشیان آمده است).

□ □ □

آدمی همیشه به سه چیز خودش بازگشت دارد: «کودکی، سرزمین مادری اش و مادرش». چه بسیار نویسندگان، دانشمندان و مردم عادی از گفتارها، بازی‌ها، گفتنی‌ها و افسانه‌ها و داستان‌های نقل شده دوران کودکی، از خاطرات شهر، محله و همه آن چیزهایی که با آن بزرگ شده‌اند، لذت می‌برند. پس نباید بگذارند این‌ها از یادها بروند یا نگذارند در هیاهوی زندگی ماشینی امروزی از بین بروند. اهمیت اصلی کتاب فرهنگ کرمانشاهی را در این نکته باید جستجو کرد.

فرهنگ کرمانشاهی اثر گرانبهایی است که ارزش آن بر همه مردم میهن ما آشکار خواهد گشت و نیز اثر درخشانی است که در کارنامه تلاش‌های صادقانه، مداوم و خستگی‌ناپذیر علی اشرف درویشیان برجستگی ویژه‌ای دارد.

۷۵/۵/۵

علی اشرف درویشیان

## افسانه‌ها و متل‌های کردی

• ۷۰ قصه عامیانه ایرانی •

جلد اول و دوم

